

بررسی سیر تاریخی و تاریخچه حوزه علمیه نجف

محمد صادق انوری^۱

حسین رزاقی^۲

چکیده

حوزه علمیه نجف یکی از مدارس و مراکز مهم علمی دینی و مذهبی شیعه است که در سال ۴۴۸ توسط شیخ طوسی بنا شد و از تاریخ پیدایش تا کنون فراز و نشیب‌های زیادی را از سر گذرانده است. در این مقاله سعی می‌شود به لحاظ تاریخی سیر تحولات این حوزه از تأسیس تا دوران اوج و بالندگی را مرور نماییم. اهمیت این نوشتار از آن روست که نگاه تاریخ به حوزه علمیه نجف به عنوان اولین حوزه علمیه شیعی، می‌تواند الگویی برای پیشرفت سایر حوزه‌های علمیه باشد. این تحقیق به توصیفی است و مطالب آن نیز به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. از مهمترین نتایج این مقاله اینکه، با تلاش‌های شیخ طوسی حوزه علمیه نجف پا گرفت اما پس از وفات شیخ دچار رکود گردید تا اینکه عالم و فقیه توانمند دیگری بنام محمدابن ادریس حلی دوباره این حوزه جان تازه‌ای گرفت. ولی با ظهور اخباری‌گری لطمه بزرگی بر شکوفایی این حوزه وارد شد. ولی در دوره بعدی (قرن سیزدهم) شکوه و عظمت خود را بازیافت، که میتوان این عصر را عصر کمال و زعامت علمی حوزه علمیه نجف دانست.

کلید واژه: حوزه علمیه، حوزه نجف، فقیهان، سیر تاریخی

^۱. طلبه فارغ التحصیل جامعه المصطفی العالمیه، استان مرکزی، واحد آشتیان، کد تحصیلی ۱۱۵۸۲۰۵

^۲. مدرس جامعه المصطفی العالمیه، استان مرکزی، واحد آشتیان.

بررسی حوزات علمیه با محوریت حوزه ی علمیه نجف

مقدمه

حوزه علمیه ی نجف، یکی از مدارس دینی و مراجع مذهبی در شهر نجف است که آموزش، تربیت و پرورش طلاب علوم دینی شیعه و برخی وظایف دینی دیگر را بر عهده دارند. بسیاری از فقیهان و عالمان بزرگ شیعه در این حوزه پرورش یافته‌اند و بدین رو، حوزه نجف، در کنار حوزه علمیه قم، از اهمیت بالایی برخوردار است.

شیخ طوسی، علامه حلی، شیخ انصاری و در دوران معاصر، آیت الله خوئی و آیت الله سیستانی از پرورش یافتگان حوزه علمیه نجف‌اند. امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران، مدتی پس از تبعید از ایران به نجف رفت و در آنجا به تدریس پرداخت و مبارزه با حکومت شاه و برخی مباحث و آثار مهم خویش مانند حکومت اسلامی را در آنجا پی گرفت.

تاریخچه

درباره تأسیس حوزه علمیه نجف دو نظر اساسی وجود دارد. گروه نخست بر این باورند که پس از هجرت شیخ طوسی در ۴۴۸ق از بغداد به نجف، وی حوزه علمیه را بنا نهاد. شماری دیگر معتقدند پیش از آمدن شیخ، در نجف حلقه‌های بحث و درس در جوار مرقد امیرمؤمنان علیه‌السلام برقرار و حوزه علمیه شکل گرفته بوده است. این عده شواهدی در اثبات مدعای خود ذکر می‌کنند؛ از جمله:

بنابه گزارش ابن طاووس، به هنگام دیدار عضدالدوله دیلمی از نجف در سال ۳۷۱ق، ۱۷۰۰ فقیه در این شهر بوده‌اند.

نجاشی به ملاقات خود با دانشمندان شیعه، از جمله محدث بزرگ، هبه الله بن احمد کاتب، مشهور به ابن برنیه، اشاره کرده است. وی همچنین اظهار کرده که در سال ۴۰۰ق در نجف از ابن خُمری کوفی اجازه روایت دریافت داشته است.

نجاشی در شرح حال ابوالحسین اسحاق بن حسن عقرائی تمار گفته که او را مجاور کوفه (یعنی نجف) دیده که کتاب کلینی را از خود وی روایت می‌کرده است.

حضور شخصیت‌های دینی و علمی دیگر در نجف، همچون شیخ صدوق و شنیدن حدیث از محمد بن علی بن فضل دهقان و نیز اقامت برخی نقبای شیعیان همانند ابن سدره، و اسکان تعدادی از خاندان‌های اهل علم، مثل آل طحان، در نجف در زمره مستندات وجود حرکت علمی در نجف، پیش از شیخ الطائفه طوسی، ذکر شده است.

حوزه علمیه نجف پس از ورود شیخ طوسی تاریخ با فراز و نشیبی را سپری کرده است که مراحل آن عبارت‌اند از:

۱- دوره تکوین و تثبیت

این دوره با حضور شیخ طوسی در نجف (۴۴۸-۴۶۰ق) مقارن است. وی که از شاگردان برجسته شیخ مفید (متوفی ۴۱۳) و سید مرتضی علم الهدی (متوفی ۴۳۶) بود، پس از وفات علم الهدی ریاست علمی شیعیان بغداد را برعهده گرفت. اندکی پس از

ورود طغرل سلجوقی به بغداد، در ۴۴۹ خانه و کتابخانه او را در حالی که خود وی قبلاً به نجف مهاجرت کرده بود آتش زدند. مدتی بعد، شیخ فعالیت علمی خود را در این شهر آغاز کرد و حوزه بزرگ نجف با تلاش‌های او پا گرفت. شیخ توانست اوضاع تحصیلی آشفته و نابسامان نجف را تحت نظم درآورد و حلقه‌های درسی را تشکل بخشد. عده‌ای اندک، از کسانی که همراه شیخ از بغداد به نجف رفته یا شهرتش را شنیده بودند، به او پیوستند و دیری نپایید که شهر نجف مرکزیت علمی و فکری تشیع را از آن خود کرد. کتاب امالی یا المجالس شیخ گواه انضباطی است که او در حوزه نو تأسیس نجف در انتقال علوم به شاگردانش برقرار کرده بود. کار سترگ دیگر شیخ، سوق دادن علما و شاگردان خود به فقه استدلالی و اجتهادی بود.

۲- دوره تبعیت و رکود

این دوره طولانی با وفات شیخ طوسی آغاز شد و تا اوایل قرن دهم ادامه یافت. عوامل متعددی در ایجاد رکود پس از شیخ دخیل بودند.

نخست آنکه به رغم ابتکارات شگرف او در حوزه اصول، فقه و دفاعش از فقه تفریعی در حوزه شریعت و توفیقش در ترویج و تحکیم روش‌های استدلال و استنباط آرا و نظریات وی تا مدت‌ها به دلیل عظمت شخصیت او در مجامع علمی شیعه بدون معارض و نقدناپذیر رواج یافت و پیروانش بیش از یک قرن درصدد خردگیری و نقد و بررسی نظریاتش برنیامدند. به تعبیر شهید ثانی و صاحب معالم، ابن شهید ثانی همه فقها تنها ناقل گفته‌های او بودند.

عامل دیگر این ایستایی، جوانی حوزه نجف بود که نمی توانست همپای مراکز علمی همچون حوزه علمیه بغداد، در برخورد با آرای گوناگون، پویایی داشته باشد، مخصوصاً آنکه هنگام مهاجرت شیخ از بغداد به نجف، تنها تعدادی کم شمار او را همراهی کرده بودند.

از میان رفتن قدرت آل بویه که پیوسته مراکز و شخصیت های علمی شیعه را تحت حمایت خود داشتند، عامل اثرگذار دیگری بر رکود بود و مخصوصاً از همان آغاز تصرف عراق به دست سلجوقیان، شیعه تحت فشارهای روزافزون قرار گرفت.

ظهور محمدبن ادریس حلی (متوفی ۵۹۸ق) در حله رونق حوزه علمیه این شهر را به همراه داشت ولی همین مسئله به رکود حوزه علمیه نجف شتاب بیشتری بخشید. وی توانست به روحیه پیروی بی چون و چرای مشایخ امامیه که در برابر آرا و فتاوی شیخ طوسی تسلیم و منقاد بودند، پایان دهد و با نقادی آرا و برخی روش های شیخ، روح تحقیق و نقد و تجدیدنظر را به محافل علمی شیعه باز آورد.

دانشمندان و آثار علمی آن ها در این دوره

با همه این احوال، در این دوره نیز حوزه نجف از تکاپوی علمی دور نماند. از ابوعلی طوسی، فرزند شیخ طوسی، (متوفی ۵۱۵) اثری چون المرشد الی سبیل المتعبد و الامالی به جای مانده است. وی نزد علمای شیعه باعنوان مفید ثانی شهرت دارد.

ابن شهرآشوب مازندرانی، ابوعلی فضل بن حسن طبرسی مؤلف مجمع البیان و ابو عبدالله حسین بن احمد بن طحال مقدادی تربیت یافتگان محضر اویند.

همچنین شیخ ابوالوفاء عبدالجبار رازی، شیخ ابومحمدحسن بن بابویه قمی و شیخ ابوعبدالله محمدبن هبةالله طرابلسی معاصران او و جملگی از شاگردان پدرش در حوزه علمیه نجف بوده‌اند. کتاب شرح کافیه ابن حاجب و شرح قصائد ابن ابی الحدید از نجم الاثمه رضی الدین محمد استرآبادی (متوفی ۶۸۶) الایماقی فی شرح الایلاقی و شرح تعریف الزبده در طب از عبدالرحمان بن عتائی از علمای حله و بعد نجف اشرف و التتقیح الرابع فی شرح مختصرالشرايع مقداد بن عبدالله سیوری مشهور به فاضل مقداد (متوفی ۸۲۶) از جمله آثار دانشمندان این دوره حوزه نجف است.

دوره ی محقق اردبیلی

از نیمه دوم قرن دهم رونق علمی به حوزه نجف بازگشت. اقدامات اثرگذاری چون آسان ساختن دسترسی به آب آشامیدنی از طریق حفر رودها توسط شاهان صفوی و ساخت قلعه‌های استوار و تأمین امنیت جانی ساکنان، به عنوان عوامل شکوفایی مجدد حوزه نجف شمرده شده است؛ ولی بعید است چنین طرح‌هایی به تنهایی شکوفایی علمی را باز آورده باشد، چه پیش از صفویان، برخی فرمانروایان و امیران ایلخانی و جلایری با رویکردی سیاسی به احیای نجف شیعی در برابر بغداد سنی به اقدامات مشابهی دست زده، اما توفیق چندانی کسب نکرده بودند.

نقش مولی احمد بن اردبیلی (متوفی ۹۹۳ق) مشهور به مقدس / محقق اردبیلی در بازیابی رونق حوزه علمیه نجف در این دوره بسیار برجسته بود. حضور محقق اردبیلی در حوزه نجف و مقبول افتادن مکتب فقهی او، یعنی تتبع همه جانبه در احادیث و توجه به احادیث

صحیح السند - که چه بسا مورد بی‌اعتنایی یا اعراض فقهای سلف قرار گرفته بود- در برابر قول به پذیرش فتوای مشهور، پژوهشگران و طلاب بسیاری را در حلقات درس او حاضر ساخت. کسانی چون شمس الدین محمد بن علی عاملی، نوه شهید ثانی، صاحب مدارک الاحکام (متوفی ۱۰۰۹) و حسن بن زین الدین، فرزند شهیدثانی معروف به صاحب معالم (متوفی ۱۰۱۱) از تربیت شدگان بزرگ مکتب فقهی و اصولی او هستند.

مقدمه کتاب معالم الدین و ملاذالمجتهدین حسن بن زین الدین در اصول فقه است و متن آن به فقه اختصاص دارد که ناقص مانده است. این مقدمه از زمان تألیف تا به امروز محل توجه فقهای اصولی بوده و جایگزین کتاب‌های سه گانه تعلیمی اصول فقه در حوزه‌های امامیه - یعنی الشرح العمیدی علی تهذیب العلامة، شرح العلامة علی مختصر ابن الحاجب و شرح العضدی علی مختصر ابن الحاجب - شده و تا سالیانی قبل متداول‌ترین کتاب درسی مقدماتی اصول فقه در نظام تعلیمی شیعه به شمار می‌رفت.

دانشمندان و آثار علمی آنها در این دوره

این دوره کوتاه از تاریخ حوزه نجف از حیث تعداد دانشمندان و نویسندگان، کم اهمیت نیست:

محمی الدین بن محمود نجفی (متوفی ۱۰۳۰) در شعر و ادب دستی بالا داشت. رکن الدین علی قُهبایی از شاگردان مکتب اردبیلی، در علم روایت و رجال متبحر بود و کتاب مجمع الرجال او از آثار دیگرش مشهورتر است. ملا عبدالله یزدی (متوفی ۹۸۱) مؤلف حاشیه

بر بخش منطق تهذیب المنطق و الکلام اثر تفتازانی متعلق به همین دوره حوزه نجف بوده و کتاب او همچنان یکی از درسنامه‌های رایج در حوزه‌های علمیه است.

شیخ ابوالحسن فتونی عاملی نجفی (متوفی ۱۱۴۰) که از او به عنوان افقه المحدثین یاد شده، صاحب نوشته‌هایی چون مرآة الانوار در تفسیر و ضیاءالعالمین در کلام است. کتاب اخیر در زمره مفصل‌ترین تألیفات کلامی به شمار می‌رود. وی همچنین کتابی با عنوان تنزیه القمیین در نفی نسبت تشبیه و رؤیت به محدثان قم، نگاشته است.

دوره ی اخباریان و افول آنان

از دهه چهارم قرن یازدهم حوزه علمیه نجف همانند دیگر حوزه‌های شیعه درگیر موضوع اخباری‌گری شد. بزرگترین تأثیر را در این بین محمدمین استرآبادی (متوفی ۱۰۳۳ق) داشت. وی که خود درس آموخته حوزه علمیه نجف بود و از صاحب معالم و صاحب مدارک اجازه روایت داشت. با تألیف کتاب الفوائد المدنیة در ۱۰۳۰، به نقادی سخت روش اصولی و فقهی مجتهدان شیعه، که میراث پربهای شیخ طوسی در حوزه علمیه نجف بود، پرداخت. او امثال ابن جنید، ابن ابی عقیل، شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و از همه بیشتر علامه حلی را به انحراف از طریقت ائمه (ع) متهم می‌کرد و تکیه آنان به علم کلام و اصول فقه مبتنی بر افکار عقلی و اعتقاد به قیاس را بدعت می‌شمرد. مکتب اخباری، با شتاب، در نجف و دیگر مراکز علمی عراق و ایران و بحرین نفوذ و بیشتر فقیهان را به خود جذب کرد.

دانش اصول فقه و اصولیان از جنبش اخباری لطمات بسیار خوردند و حوزه علمیه نجف نیز از این آسیب‌ها مصون نماند، ولی از حرکت بازنايستاد و در این دوره نیز در نجف به نام دانشمندان یا آثار برجسته‌ای بر می‌خوریم که از میان آنها مجمع البحرین اثر شیخ فخرالدین بن محمدعلی طریحی نجفی (متوفی ۱۰۸۵) از مهمترین آثار قلمداد می‌شود، که موضوع آن واژگان دشوار قرآن و حدیث است. فاضل شروانی (متوفی ۱۰۹۸ یا ۱۰۹۹) از نویسندگان کثیرالتألیف این روزگار و از دانش‌آموختگان نجف بود که به اصفهان مهاجرت کرد و ضمن نوشتن کتاب‌هایی چون شرح الشرایع و حاشیه بر شرح تجرید قوشچی شاگردان بزرگی همچون میرزا عبدالله افندی مؤلف ریاض العلماء، شیخ حسن بلاغی صاحب تنقیح المقال و مولی محمد اکمل اصفهانی پدر وحید بهبهانی پرورد. درگیری‌های پیوسته صفویان و عثمانیان بر سر تسلط بر عراق، هراس مردم از مهاجرت به عراق، فشار بر علمای مذهبی شیعه پس از سلطه عثمانی‌ها و رویدادهای طبیعی چون وبا در افزایش رکود علمی در این دوره بی‌تأثیر نبودند. همین عوامل باعث شد تا پایان قرن یازدهم از آمد و شد طلاب و دانش‌پژوهان به نجف کاسته شود و حتی مرکزیت جهان تشیع به کربلا انتقال یابد.

عصر درخشش و کمال

دوره بعدی را که از قرن سیزدهم شروع می‌شود و تا زمان حال ادامه می‌یابد، می‌توان عصر کمال و اوج درخشش و زعامت علمی حوزه نجف دانست. با آغاز فعالیت علامه بحرالعلوم در نجف و عالمان و فقیهان بسیاری که به همت وحید بهبهانی تربیت

شده بودند، حوزه نجف عظمت و شکوه خود را بازیافت و از نو به مرکز علمی جهان تشیع تبدیل شد. تلاش‌های شاگردان مستقیم و غیرمستقیم وحید بهبهانی معطوف مبارزه با اخباری‌گری و پاسخگویی به شبهات آنان و اثبات نیاز به قواعد اصولی در استنباط شد. این کوشش‌ها ثمربخش بود؛ علم اصول را به کمال رساند و در زمینه فقه به طور محسوسی باب بحث، نقد و تحلیل موضوعات و کاوش در آرای پیشینیان و ادله آنان گشوده شد و سرانجام آنکه جریان اخباری هر چند از میان نرفت، به شدت محدود شد. در امتداد سبک علمی وحید بهبهانی کتاب‌های نفیسی در حوزه نجف به رشته تحریر درآمد. نگاشته‌های علامه بحرالعلوم، به استوار کردن مکتب اجتهاد و کنار زدن جریان اخباری یاری رساند.

پس از او شیخ جعفر بن خضر نجفی، معروف به کاشف الغطاء به زعامت امامیه و ریاست حوزه علمیه نجف رسید. با مساعی او، میرزا محمد نیشابوری (متوفی ۱۲۳۲) که به شدت برای حفظ و احیای مکتب اخباری می‌کوشید و حتی به حکومت قاجار نیز متوسل شده بود، از رقابت با اصولیان بازماند. کاشف الغطاء رساله کشف الغطاء عن معایب المیرزا محمد عدو العلماء خود را برای طرد او نزد فتحعلی شاه به ایران فرستاد.

دیگر دانشمندان حوزه علمیه نجف، همچون محمد تقی اصفهانی (متوفی ۱۲۴۸) در هدایة المسترشدين فی شرح معالم الدین، محمد حسین اصفهانی در الفصول الغرویة، حجة الاسلام سید محمد باقر شفتی (متوفی ۱۲۶۰) در الزهرة البارقة، شیخ محمد ابراهیم کلباسی (متوفی ۱۲۶۱) در اشارات الأصول، سید محمد مجاهد طباطبائی نوه دختری وحید بهبهانی در مفاتیح الاصول، میرزا ابوالقاسم قمی در قوانین الاصول و سرانجام شیخ مرتضی

انصاری (متوفی ۱۲۸۱) در فرائدالأصول (مشهور به رسائل) هر کدام سهم مهمی در نقد فکر اخباری و توسعه علم اصول داشته‌اند.

جایگاه شیخ انصاری در حوزه نجف

شیخ انصاری از شاگردان سید محمد مجاهد و شیخ علی کاشف الغطاء و شیخ محمدحسن نجفی مشهور به صاحب جواهر در نجف بود و پس از وفات صاحب جواهر در ۱۲۶۶ق به مرجعیت شیعه نایل آمد. [۴۱] کتاب رسائل او از برترین نوشته‌های اصولی مذهب شیعه به شمار می‌رود؛ به ویژه طرح ابتکاری او در ساماندهی مباحث «حجّت»، افق‌هایی نو در برابر فقها و مجتهدان گشوده است. این کتاب از درسنامه‌های مهم حوزه‌های شیعی است که هم در مرتبه سطوح عالی تدریس می‌شود و هم بسیاری از استادان و مجتهدان حوزه‌های علمیه، دروس اجتهادی خود را در علم اصول، بر محور این کتاب ارائه می‌دهند.

فعالیت‌های میرزامحمد حسن شیرازی

مکتب فقهی - اصولی شیخ انصاری، با پیگیری جدی چند تن از شاگردان برجسته او، و در رأس آنان میرزامحمد حسن شیرازی استقرار یافت. میرزای شیرازی، پس از شیخ انصاری به سامرا رفت و در آنجا حوزه درسی تأسیس کرد. به دعوت او شماری از مجتهدان و فضلاء حوزه نجف نیز راهی سامرا شدند و با محوریت میرزای شیرازی، که مرجع علی‌الاطلاق شیعه بود، در تثبیت و تبیین آرای شیخ انصاری کوشیدند. در واقع،

حوزه سامرا که نزدیک به نیم قرن پایید، بخشی از حوزه نجف بود و صرفاً با آن فاصله مکانی داشت.

تأثیر آخوند خراسانی بر حوزه نجف

با اینکه دانشمندان دیگری در حوزه نجف، پس از شیخ انصاری، دست به تألیف و تصنیف در علم اصول زدند، ولی هیچ یک به رتبه آخوند ملامحمدکاظم خراسانی (متوفی ۱۳۲۹ق) نرسیدند. وی از تربیت شدگان مکتب اصولی شیخ انصاری است، ولی آرای او در همه مباحث با نظریات شیخ انطباق ندارد. پس از شیخ انصاری، او بیشترین تأثیر را بر حوزه‌های علمی شیعی گذاشته است. کتاب کفایة الاصول او در بردارنده نظریات و بیان‌هایی ابداعی است و چون به طور موجز تألیف شده، شروح و تعلیقات و تقریرات بسیاری بر آن نوشته‌اند. این کتاب نیز به عنوان آخرین متن آموزشی علم اصول در سطح عالی مورد استفاده قرار می‌گیرند. اغلب فقیهان برجسته اصولی قرن چهاردهم از پرورش یافتگان مکتب اصولی شیخ انصاری و شمار زیادی از آنان شاگردان آخوند خراسانی بوده‌اند.

صدها تن محضر خراسانی را درک کردند و برخی چون شیخ محمد جواد بلاغی (متوفی ۱۳۵۲)، ابوالحسن مشکینی (متوفی ۱۳۵۸)، محمد حسین نائینی (متوفی ۱۳۵۶)، محمد حسین غروی اصفهانی (متوفی ۱۳۶۱)، آقا ضیاء الدین عراقی (متوفی ۱۳۶۱)، سید ابوالحسن اصفهانی (متوفی ۱۳۶۵)، شیخ محمدحسین آل کاشف الغطاء (متوفی ۱۳۷۳)،

سیدعبدالحسین شرف الدین عاملی (متوفی ۱۳۷۷) و حاج آقا حسین بروجردی (متوفی ۱۳۸۰ق) به بالاترین مدارج اجتهاد و مرجعیت نایل آمدند.

دانش‌های حوزه نجف

فقه و اصول

به طور کلی، زعامت علمی در دو حوزه فقه و اصول، پس از شیخ انصاری بر محور آثار و آرای خراسانی شکل گرفته و به ویژه نظام مرجعیت شیعه از آن زمان تا عصر حاضر در اختیار شاگردان این مکتب قرار دارد. از آن گذشته، پس از استقرار مجدد روش اصولی در استنباط، در پی تلاش وحید بهبهانی و ارتقای آن با ظهور شیخ انصاری، حوزه نجف کانون اصلی نظام تعلیمی شیعه شد؛ از یک سو درس آموختگان و استادان حوزه‌های دیگر، مثل اصفهان، تهران، مشهد و سایر شهرهای ایران و شهرهای عراق و لبنان و شهرهای شیعه نشین هند، پاکستان و افغانستان، برای تکمیل مدارج بالاتر راهی نجف شدند و از سوی دیگر مجتهدان و دانش آموختگان حوزه نجف پس از بازگشت به موطن خود یا اقامت در شهرهای دیگر امکان تقویت بنیه علمی حوزه‌های موجود یا برپایی حوزه‌های دیگر را به دست آوردند.

کتاب‌های فقهی تألیف شده در حوزه نجف

دانش فقه نیز در این دوره از تاریخ حوزه نجف، بازگشت روش‌های اصول استنباط به عرصه مباحث فقهی را آزمود.

مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة از آثار فقهی این دوره، تألیف محمد جواد عاملی (متوفی ۱۲۲۶) از شاگردان وحید بهبهانی است که مجمع آرای فقهای شیعی به شمار می‌رود و آرای آنان در هر موضوع را به اختصار و با ترتیبی خوش و متنی روان آورده است.

مستند الشیعة فی احکام الشریعة ملا احمد نراقی (متوفی ۱۲۴۵ق) دانش آموخته حلقه‌های درسی علامه بحر العلوم و کاشف الغطاء در نجف، از کتب کم نظیر فقهی است که با شم استدلالی و بیان جنبه‌های گوناگون هر مسئله و آرای مختلف درباره آن تصنیف شده است.

جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام در میان مجموعه‌های بزرگ فقهی این دوره چشمگیر و بی نظیر است و آرا و استدلال‌های فقهای گذشته را با تتبعی درخور و نقادی علمی فراروی پژوهشگران دانش فقه قرار می‌دهد. مؤلف این اثر سترگ شیخ محمدحسن نجفی، مشهور به صاحب جواهر (متوفی ۱۲۶۶) از شاگردان سید محمد جواد عاملی و شیخ جعفر کاشف الغطاء است.

کتاب فقهی دیگر صاحب جواهر، نجاه العباد فی یوم المعاد رساله عملیه اوست که تا زمان تألیف عروه الوثقی جزء متون تحقیقی فقیهان به شمار می‌آمد و اینان با نوشتن شرح درصدد توضیح مطالب و گشودن پیچیدگی‌های آن بودند. هم اکنون نیز برخی مراجع استفتائات خود را در قالب حاشیه بر این کتاب عرضه می‌کنند.

از جدی‌ترین و ارزشمندترین نوشته‌های فقهی این دوره حوزه نجف کتاب مکاسب شیخ مرتضی انصاری است که تا به امروز متن درسی سطوح عالی، و معیاری است برای سنجش فهم فقهی و اجتهادی طلاب. موضوع کتاب دادوستد و مباحث پیرامونی آن است و با روش استدلالی و جوه گوناگون هر مسئله بررسی شده و نویسنده کاربرد و اثر قواعد اصولی و فقهی را در فقه به خوبی نمایانده است. شروح و حواشی بسیاری که بر این متن فقهی نوشته شده از اهمیت آن در میان محققان حوزوی حکایت می‌کند.

دیگر اینکه در این دوره، نوشتن تقریر، حاشیه، شرح و تعلیقه که خود مجالی بوده است برای تحقیق و ارائه آرای جدید، شیوع فراوان یافته و برای نمونه از بسیاری از شاگردان مستقیم و غیرمستقیم شیخ انصاری در حوزه نجف شرح و تقریری از دروس و آثار او در دست است.

عروة‌الوثقی مشهورترین اثر فتوایی سید محمد کاظم طباطبائی یزدی است که به جامعیت، روانی، ترتیب مناسب، و داشتن فروع بسیار، به ویژه در باب مسائل مستحدثه تا زمان مؤلف، ممتاز و مشهور است. این کتاب به سرعت با استقبال فقها مواجه و جایگزین نجاه العباد صاحب جواهر شد. در دوره‌های اخیر، این جایگاه برای کتاب وسیله النجاه سید ابوالحسن اصفهانی و بیش از آن برای منهاج الصالحین سید محسن حکیم پدید آمده است.

حضور امام خمینی در حوزه نجف

امام خمینی پس از آزادی از زندان در فروردین ۱۳۴۳، بار دیگر در اعتراض به لایحه کاپیتولاسیون در آذر ۱۳۴۳ دستگیر و به ترکیه تبعید شد و با مساعی مراجع ایران

و نجف، پس از چند ماه به نجف انتقال یافت. ظاهراً دولت ایران امیدوار بود با حضور امام خمینی در نجف، عملاً مرجعیت او تحت الشعاع قرار گیرد و جایگاه و نفوذ اجتماعی وی به تدریج به فراموشی سپرده شود، اما امام خمینی در عین پیگیری مبارزه با رژیم پهلوی و ارتباط با مبارزان داخل و خارج، همچنان در جایگاه مرجعیت به تدریس و تألیف و تصنیف ادامه داد و عملاً شمار زیادی از فضلاء ایرانی و غیرایرانی را به مبارزه با رژیم پهلوی سوق داد. وی تا مهر ۱۳۵۷ که به اجبار حکومت بعثی، در پی هماهنگی‌های آن حکومت با دولت ایران، از عراق خارج شد، در نجف به فعالیت‌های علمی و سیاسی اشتغال داشت.

ضوابط و نظامات تدریس

برای تدریس در حوزه علمیه شروط خاصی چون مدرک یا سن مطرح نیست و طلاب آزادانه مدرّسان و استادان خود را برمی‌گزینند. بنابراین، استاد باید از توانایی علمی و قدرت بیان و پیشینه درسی برخوردار باشد. در برابر تدریس، حقوقی به استادان پرداخت نمی‌شود و نیازهای ضروری زندگی آنان را مراجع تقلید تأمین می‌کنند. طلاب رکن دیگر حوزه علمیه نجف‌اند که با داشتن برخی شرایط به تحصیل مشغول می‌شوند. معیشت طلاب از طریق شهریه مدرسه، کمک‌های مالی مراجع نجف یا مراجع دیگر کشورها، خانواده‌های طلاب، اشخاص حقیقی یا مراکز خیریه یا از محل موقوفات مدارس تأمین می‌شود. بعضاً نیز کمک‌های غیرنقدی و تسهیلاتی چون لوازم التحریر در اختیار طلاب قرار داده می‌شد و هر از گاهی در برخی مدارس (نظیر مدرسه قوام) غذا

توزیع می‌شد. برخی هم در حوزه نجف ترجیح می‌دادند معاش خویش را از دسترنج خود تأمین کنند.

ملیت طلاب

اغلب طلاب نجف غیر بومی بوده و ملیت‌های گوناگونی داشتند؛ پاکستانی، هندی، تبتی، سوری، لبنانی، بحرینی، ترک، ایرانی و غیره؛ و از همه پرشمارتر ایرانیان بودند.

علاوه بر ایرانیان، که همواره یکی از مراکز علمی خود را نجف قرار داده بودند، طلاب علوم دینی جبل عامل نیز از روزگار شهید اول (نیمه دوم قرن هشتم) از لبنان به نجف مهاجرت می‌کردند و در روزگار سید جواد عاملی (متوفی ۱۲۲۶ق) بر تعداد آنان در این شهر افزوده شد. مدارس، معمولاً ملیت طلبه را ملاک پذیرش قرار نمی‌دادند، ولی برخی از مدارس را بانیان آنها برای ملیت خاصی بنا می‌کردند، مثلاً مدرسه عاملین خاص لبنانی‌ها، مدرسه هندی از آن هندیان، و مدرسه ایروانی ویژه ترکان بود. گاهی نیز اختلافاتی پیش می‌آمد. در سال‌های اخیر، پس از سقوط رژیم بعثی، به تدریج طلاب از کشورهای مختلف برای تحصیل به نجف می‌روند.

تعداد اساتید و طلاب

تعداد استادان و طلاب حوزه نجف به شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عراق و نجف بستگی داشت. مثلاً قبل از اشغال کامل عراق در ۱۳۳۵ توسط انگلیسی‌ها، شمار

طلاب نجف را بیش از ده هزار و در حدود ۱۳۷۶ق / ۱۳۳۶ش نزدیک به دو هزار نفر برآورد کرده‌اند. در اوضاع بحرانی، تعداد آنان رو به کاهش می‌نهاد و بعضی روانه حوزه‌های علمیه دیگر شهرها می‌شدند، چنانکه بارها طاعون عامل این نوع مهاجرتها شد یا پس از تنگناهایی که رژیم عراق در ۱۳۴۹ش / ۱۹۷۰ ایجاد کرد، حوزه علمیه قم پذیرای بسیاری از طلاب و استادان حوزه نجف شد.

نتیجه گیری

حوزه علمیه نجف یکی از مدارس و مراکز مهم علمی دینی و مذهبی شیعه است که در سال ۴۴۸ ش توسط شیخ طوسی بنا نهاده شد و حلقه‌های بزرگ درسی تشکیل داد. با تلاش این عالم زبر دست حوزه علمیه نجف پاگرفت اما پس از وفات شیخ دچار رکود گردید تا اینکه عالم و فقیه توانمند دیگری بنام محمدابن ادریس حلی دوباره این حوزه جان تازه‌ای گرفت و با ظهور محقق اردبیلی در نیمه دوم قرن دهم رونق علمی دوباره به حوزه علمیه نجف بازگشت. ولی با ظهور اخباری‌گری لطمه بزرگی بر شکوه و شکوفایی این حوزه وارد شد. ولی در دوره بعدی که از قرن سیزدهم آغاز می‌گردد حوزه نجف شکوه و عظمت خود را بازیافت، که میتوان این عصر را عصر کمال و اوج درخشش و زعامت علمی حوزه علمیه نجف دانست، که با آغاز فعالیت‌های علامه بحرالعلوم در نجف و عالمان و فقیهان بسیاری که به همت وحید بهبهانی تربیت شد بودند حوزه علمیه نجف دوباره رونق گرفت و از نو به مرکز علمی جهان تشیع تبدیل شد. پس از علامه بحرالعلوم، شیخ جعفر کاشف الغطا با در دست گرفتن پرچم زعامت تشیع و ریاست حوزه علمیه نجف تلاشی زیادی در جهت رشد و بالندگی تشیع نمود. با ظهور شیخ

انصاری افق تازه ای بر روی فقها گشوده شد و حوزه علمیه نجف به اوج شکوه و اقتدار خویش رسید. و پس از آن آخوند خراسانی بر شکوه و اقتدار این حوز افزود. در این حوزه طلاب با ملیت های مختلف که اغلب غیربومی بودند مشغول تعلیم و تحصیل بود که تعداد این طلاب بستگی به شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زمان داشت. مثلا قبل از اشغال عراق توسط انگلیس ها شمار طلاب حوزه ی نجف را ده هزار نفر و در حدود سال ۱۳۳۶ ش نزدیک به دو هزار نفر برآورد کرده اند.

منابع و مأخذ

۱- کتاب معالم العلماء ، ابن شهر آشوب ، چاپ عباس اقبال آشتیانی ، تهران

۱۳۵۳

۲- الفوائدالمدینه ، محمدمامین ابن محمد شریف ادستر آبادی ، چاپ رحمه الله

رحمتی اراکی ، قم ۱۴۲۹

۳- الحوزة العلمیه فی نجف اشرف ، محمد غروی

۴- تاریخ فقه و فقها ، حسن طارمی راد ، ج ۲ ، چاپ تهران ۱۳۷۵

۵- المبسوط فی فقه الامامیه ، ج ۱ ، محمد ابن حسن طوسی چاپ محمد تقی

کاشفی ، تهران ۱۳۸۷

۶- مستندالشیعه فی احکام الشریعه ، ج ۱ ، احمد ابن محمد نراقی